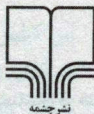


فضا به مثابه‌ی پشتیبان

نگاهی به رویکردهای

پدیدارشناسانه در هنر مدرن

فواد فراهانی



فهرست

اول سخن ۸

جست‌وجوی ابزار جدید بیان | ۱۷

فصل اول | اتوپپای کانستراکتیویسم... | ۲۱

کانستراکتیویسم روسی - ولادیمیر تاتلین / ۲۵ | ولادیمیر مایاکوفسکی / ۳۱ |
کازیمیر مالویچ و سوپره‌ماتیسیم / ۳۳ | نائوم گابو و آنتوان پفسنر / ۴۹ |
ال لیسیتسکی / ۵۳ | الکساندر رودچنکو / ۵۸ | داستایل / ۶۵ | باوهاوس / ۷۸ |
لاژلو موهوی - نوژ / ۹۰ | توماس ویلفرد / ۹۸

بعد از جنگ جهانی دوم | ۱۰۴

کشف نور در اروپای پس از جنگ تا هنر نور / ۱۱۴

فصل دوم | هنر نور و فضا... | ۱۲۱

رابرت اربوین / ۱۳۱ | جیمز تورل / ۱۹۱ | لری بل / ۲۱۷ | هپ تیوی / ۲۳۳ |
آلفور الیاسن / ۲۵۷

آخر سخن | ۳۰۲

ترکیب‌بندی سوپره‌ماتیستی: سفید بر روی سفید^۱ (۱۹۱۸)، نزد مالویچ^۲
 – آن گونه که خود بعدها اعلام می‌کند – در پایان یک دوره‌ی طولانی
 کاستن‌ها^۳ از محتوا و فرم هنر، لحظه‌ای محوری برای ورودش به بیابانی از
 احساس خالص^۴ بود.

این جریان‌ی شگرف از حرکت هنر است: واگذاشتن آن رویکرد تصویری – واقع‌نما^۵
 برای رسیدن به رویارویی با ماهیت دیدن^۶. کوتاهی بزرگی است، اگر حرکت
 تدریجی و گاه خطی از کار تصویری – واقع‌نما را به آن چه که انرژی خالص^۷
 است، تنها تمرین ممارست‌آمیز آبستراکسیون تلقی کنیم، حال آن که آبستره
 در واقع دریافت^۸ و مشاهده‌ای است در ارتباط با ماهیت دیدن. هنر زیر سایه‌ی
 وسیعی به نام مدرنیسم، در حقیقت گواه پایان یافتن تصویر واقع‌نما و ورود به
 جهان نسبت‌ها و روابط است؛ و بی‌شک در این پیوندها و اتصالات^۹، فضا
 به مثابه‌ی پشتیبان^{۱۰}، مدیومی است برای انتقال تجربه.

این چشم‌اندازی است که کتاب حاضر پیرامون «نور و فضا»^{۱۱} با تأکید بر فضا
 سعی در ترسیمش دارد. در حقیقت، نور و فضا با بررسی ریشه‌های ادراک^{۱۲}
 و فهم (درگیر شدن حواس و حساس ساختن ادراک) به دنبال کشف تجربه‌ی
 هنر (هنر محض) است، تا با انتقال آن به مخاطب، پدیده‌ی خالص را در
 حکم واقعیتی تجربه‌پذیر با او در میان گذارد.

اربرت اروین^{۱۳}، پیش‌گام و هنرمند کلیدی جنبش «نور و فضا» در کتاب خود،
 یادداشت‌هایی در باب هنر مشروط^{۱۴}، در فصل سازه‌های پنهان هنر^{۱۵} تأکید
 می‌کند که «در هنر مدرن مسائل واقعی به شکلی دراماتیک در ساختاری
 از تصور^{۱۶} فضای عمیق تصویری، به فضایی به‌هم‌پیوسته از شکل و زمینه
 تغییر کرد، و سپس با تخت و هموار کردن سلسله‌مراتب در تعریف نظام و
 مفهوم [هنر] به هنری با ابعاد گسترده انجامید. پرسش‌ها از هنری در ابعاد
 گسترش‌یافته‌ی آن می‌بایست این چنین باشند: یک نظم غیرسلسله‌مراتبی
 ممکن است چگونه به نظر رسد؟ فریم مؤثر (گسترش‌یافته‌ی) آن مرجع چگونه
 می‌تواند باشد؟ چگونه می‌تواند کار کند؟ و چه نوع جهانی را ممکن است
 بسازد؟» سپس هشدار می‌دهد که به خاطر داشته باشیم:

«ما هوشیاری^{۱۷} مان را ابداع و اختراع نمی‌کنیم.

در این‌جا حضور [آن] برابر است با کشف [آن].

از زمانی که بتوانیم تغییر را فهم کنیم و بپذیریم

1. Suprematist Composition: White on White
2. Kazimir Malevich
3. reductions
4. a desert of pure feeling
5. pictorial
6. nature of seeing
7. pure energy
8. observation
9. conjunctions
10. Space as Support
11. light & space
12. perception
13. Robert Irwin
14. Notes toward a Conditional Art
15. The Hidden Structures of Art
16. illusion
17. consciousness